

“ امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید ”

اخبار عالم بهائی

مارس- آپریل 2010 شماره 7

شهرالیه 167 بیع

مناجاتی از جمال قدم در شأن بهار

سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي قَدْ ظَهَرَتْ طَلَائِعُ رَبِيعِ فَضْلِكَ وَ اخْضَرَّتْ بِهَا أَرْضِي
مَمْلَكَتِكَ وَ أَمْطَرَتْ سَحَابُ سَمَاءِ كَرَمِكَ عَلَى هَذِهِ الْمَدِينَةِ الَّتِي فِيهَا حُبْسَ مَنْ
أَرَادَ عَتَقَ بَرِّيَّتِكَ وَ بِهِ تَزَيَّنَتْ أَرْضُهَا وَ تَرَوَى أَشْجَارُهَا وَ اسْتَفْرَحَتْ أَهْلُهَا؛ وَ
لَكِنَّ قُلُوبَ أَحِبَّتِكَ لَا تُسْرُ إِلَّا مِنْ رَبِيعِ عَوَاطِفِكَ الَّتِي بِهِ تَخْضَرُّ الْقُلُوبُ وَ تُجَدُّ
النُّفُوسُ وَ تَتَمُرُّ أَشْجَارُ الْوُجُودِ؛ أَي رَبِّ قَدْ اصْفَرَّتْ نَبَاتُ قُلُوبِ أَحِبَّتِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْهِمْ
مِنْ سَحَابِ الْمَعَانِي مَا يُنْبِتُ مِنْ صُدُورِهِمْ كَلًّا عِلْمِكَ وَ حِكْمَتِكَ ثُمَّ اسررهم
بِإِظْهَارِ أَمْرِكَ وَ اسْتِعْلَاءِ سُلْطَنَتِكَ؛ أَي رَبِّ كُلُّ مُتْرَصِّدٍ إِلَى شَطْرِ جُودِكَ وَ
مُتَوَجِّهٌ إِلَى أَفْقِ فَضْلِكَ لَا تَحْرِمُهُمْ بِإِحْسَانِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ بِسُلْطَانِكَ لِإِلَهٍ إِلَّا
أَنْتَ الْعَزِيزُ الْمُهَيْمِنُ الْقَبُومُ.

مجموعه مناجات، حضرة بهاءالله، دارالنشر بهائی دربرازیل، ص 134 شماره 117

“... تحقق عدالت اجتماعی در شرایطی امکان پذیر خواهد بود که همگان از رفاه نسبی مادی برخوردار و در اکتساب خصایص معنوی کوشا باشند. بنا بر این راه حل اساسی مشکلات اقتصادی جهان را باید در توجه همزمان به موازین علمی و اصول روحانی جستجو نمود. خانواده محیط مناسبی است که در آن فضایل اخلاقی لازم برای نگرشی صحیح نسبت به منابع مالی و استفاده از آن می تواند شکل گیرد...”

بیت العدل اعظم 13 فروردین 1389 خطاب به احبای عزیز کشور مقدس ایران

انتخاب دو عضو جدید بیت العدل اعظم

بیت العدل اعظم نتایج انتخابات برای دو عضو جدید بیت العدل را اعلام کرد. اعضای تازه آقایان استقن برکلند و استقن هال، با رأی اعضای نهادهای ملی مدیریت جوامع بهائی در سراسر دنیا انتخاب و نتیجه انتخابات امروز به تمام محافل ملی ابلاغ گردید. نقل از سرویس خبری جامعه بهائی 29 اسفند ۱۳۸۸



1- جناب استفان برکلند

متولد امریکا

عضو سابق هیئت مشاورین امریکا (1993- 2008)

عضو سابق دارالتبلیغ بین المللی (2008 – 2010)



2 – جناب استفان هال

متولد استرالیا

منشی سابق محفل ملی بهائیان استرالیا

عضو سابق دارالتبلیغ بین المللی (2008 – 2010)

حمایت و پشتیبانی سازمانها و فرهیختگان جهان از جامعه بهائی در رسانه ها

کنفرانس لاهه در حمایت از بهاییان ایران

روز سوم مارس، در شهر لاهه هلند کنفرانس مطبوعاتی در حمایت از حقوق بهاییان و اعتراض به دستگیری‌های آن‌ها در ایران برگزار شد. همچنین طوماری که تهیه شده بود در این جلسه معرفی و ارائه شد. در این کنفرانس خبری سه سخنران حضور داشتند: پروفیسور رنه اسمیتز، استاد دانشگاه آمستردام و فعال حقوق بشر، خاخام آوراهاام سوتن دورپ، فعال مدنی و حقوق بشر و لوس باینن کارمند سابق سفارت هلند در تهران و فعال حقوق بشر. در ابتدای این جلسه لوس باینن در خصوص بهائیت و وضعیت بهاییان در ایران توضیحاتی داد. او که از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ در سفارت هلند در تهران با تمرکز بر مسائل حقوق بشر در ایران مشغول به فعالیت بوده است، تاکید داشت که ایران‌شناس نیست ولی کسی است که ۵ سال وضعیت حقوق بشر در ایران را از نزدیک دنبال می‌کرده است و با کارمندان دیگر سفارت‌ها در ایران که در بخش حقوق بشر فعال بوده‌اند در ارتباط بوده است.

او در بخشی از سخنان خود گفت: «در سال ۲۰۰۰ برای اولین بار یکی از همکاران استرالیایی من بود که مشکلات بهاییان در ایران را در جلسات ماهانه مطرح کرد و از آن پس همواره مسائل مربوط به وضعیت بهاییان از مواردی بوده است که سفارت‌های مختلف کشورهای اتحادیه اروپا، کانادا، استرالیا، ژاپن، سوئیس و کشورهای دیگر مورد بحث قرار داده‌اند. از آن زمان وضعیت بهاییان در ایران از سوی اتحادیه اروپا و سازمان ملل در نیویورک و ژنو مورد بررسی قرار گرفته است.»



در وقایع اخیر در کنار هزاران زندانی سیاسی، ۶۰ بهایی نیز بازداشت شده‌اند. و چرا رهبران آن‌ها از سال ۲۰۰۸ در زندان به سر می‌برند؟ این شهروندان ایرانی که از هیچ حقوقی برخوردار نیستند، در واقع حق موجودیت ندارند. سیاست رسمی ایران برچیدن بهائیت است.»

خانم باینن سپس با توضیح در مورد تاریخچه و ریشه‌ی بهائیت به اعدام‌های گسترده‌ی پیروان بهاء‌الله در قرن ۱۹ میلادی و اعدام‌هایی که پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ صورت گرفته اشاره کرد؛ اعدام مخالفان حکومت جمهوری اسلامی از جمله مجاهدین، سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها و همچنین اساتید و دانشجویان و اعدام حداقل ۲۰۰ بهایی؛ در حالی که بهائیان هرگز در سیاست دخالتی نداشته‌اند.

لوس باینن سپس به قانون اساسی ایران اشاره داشت که بر اساس آن برای حدود ۳۰۰ هزار بهایی که در ایران وجود دارند، بر خلاف ادیان دیگر، هیچ حقوقی قائل نشده است. این شهروندان حق تحصیل یا کار در ادارات دولتی را به عنوان بهایی ندارند.

در پایان نیز لوس باینن از برچیده شدن «بیهه»، دانشگاهی که بهائیان برای تحصیل فرزندان خودشان در ۱۹۸۷ ایجاد کرده بودند گفت؛ دانشگاهی که از سطح علمی بالایی برخوردار بود:

این موسسه‌ی بهایی، دانشگاه‌ای مخفی نبود. جامعه‌ی بهائیان همواره تحت نظارت وزارت اطلاعات ایران بوده است و هر حرکت و گردهم‌آیی آنان کنترل می‌شده است. حالا سال ۲۰۱۰ است؛ این موسسه‌ی علمی را از بین برده‌اند. «پاران» (رهبران بهائیان) از سال ۲۰۰۸ در زندان به سر می‌برند و محکوم شده‌اند. ۶۰ بهایی دیگر در زندان‌ها هستند، ۹۰ بهایی منتظر حکم خود هستند و ۹۹ نفر از بهائیان به دیوان عالی ارجاع داده شده‌اند. قبرستان بهائیان و مکان‌های مقدسشان با خاک یکسان شده است. هدف این است که بهائیان را به این ترتیب، به طور سیستماتیک تحت فشار قرار دهند.

یک نفر در اینترنت نوشته است: تنفر جمهوری اسلامی از بهائیان به حدی است که مانند طالبان که مجسمه‌های بودا را در افغانستان از بین برده‌اند، قصد دارند نه تنها بهائیان را از بین ببرند بلکه رد پای تمام بهائیان را از سرزمینی که در آن به دنیا آمده‌اند پاک کنند.



در ادامه پروفسور رنه اسمیتز، استاد دانشگاه آمستردام در صحبت‌های خود اعلام کرد که همواره به گفت‌وگو بین ادیان و عقاید مختلف و آزادی آن‌ها علاقه‌مند بوده است و برای او مسأله‌ی حقوق بشر و فعالیت در این زمینه بسیار اهمیت دارد. بنا به این دلایل تصمیم به تهیه‌ی طوماری برای حمایت از حقوق بهائیان و اعتراض به فشارها و دستگیری آن‌ها گرفته است. او سپس متن طومار را که از طرف ۱۴۰۰ شخصیت مختلف جامعه‌ی هلند امضا شده بود را برای حاضرین خواند.

این طومار همچنین پس از این از طریق این تی‌سی‌سا www.petitiebahaisiran.nl قابل امضا خواهد بود و



به زودی متن انگلیسی، فرانسه و فارسی آن نیز قابل دسترس خواهد بود. آوراهام سوتن دورپ آخرین سخنران این جلسه بود که در خصوص رساندن این طومار به دست مسئولان جمهوری اسلامی توضیحاتی داد؛ با این امید که با این وسیله در وضعیت مردم بهایی در ایران تغییری ایجاد شود. طومار تهیه شده در حمایت از بهائیان ایران

آوراهام سوتن دورپ در صحبت‌هایش بر این موضوع تاکید داشت که در عصر ارتباطات گفت‌وگوی ادیان، سنن و عقاید مختلف راه‌های جدیدی را باز می‌کند.....

خاخام سوتن دورپ با اظهار تاسف از بی‌عدالتی‌هایی که بر بسیاری از جمله بهاییان در ایران روا داشته می‌شود، ابراز امیدواری کرد که حرکتی که از سوی جامعه‌ی هلندی برای حمایت از بهاییان آغاز شده است، آغازی برای بهبود وضعیت بهاییان و اجرای عدالت در حق آن‌ها باشد.

در پایان این برنامه فرصت‌ای برای پرسش حاضرین در نظر گرفته شده بود.

پرسشی که رادیو زمانه در پایان این جلسه مطرح کرد این بود که قدم بعدی پس از این طومار چه خواهد بود؟ با توجه به این که احتمال توجه دولت ایران به این طومار کم خواهد بود و دول اروپایی و غربی هم به مسائل هسته‌ای ایران بیش از مسئله‌ی حقوق بشر آن توجه می‌کنند.



خاخام آوراهام سوتن دورپ در پاسخ به این سوال گفت:

«ما در این موقعیت تصمیم به تهیه‌ی این طومار گرفتیم تا توجه مردم جامعه را به این موضوع جلب کنیم. در این مقطع زمانی مهم است که به وضعیت حساس جامعه‌ی بهاییان توجه شود و من امیدوارم که حتی اگر به واسطه‌ی معجزه‌ی کوچکی هم باشد، حکومت ایران هم به این موضوع توجه کند.»

مهم این است که در این حرکت که کشورهای مختلف در جریان توجه به حقوق بشر در ایران به راه افتاده است، نیروهای خودمان را متمرکز کنیم و متحد شویم. اگر این هفت بهایی که آزادی‌شان در دست حکومت ایران است آزاد شوند نشانه‌ی بزرگی از امید برای آزادی‌های بیشتر خواهد بود.

مذهب، معمولاً انتخاب شخصی فرد نیست

فرشید یدالهی، فعال مدنی و حقوق‌دان در مورد ماده‌ی هفدهم و ماده‌ی هیجده و نوزده اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و نزدیکی این دو ماده با هم، در مقاله‌ی ای که در سایت رادیو زمانه در تاریخ 12 فروردین منتشر گردیده است چنین توضیح می‌دهد.

وقتی در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی، آزادی مذهب، وجدان، اعتقاد و... هم‌ردیف هم آمده است، بنابراین مذهب نه فقط مذاهب سنتی یا توحیدی است، بلکه هر نوع اعتقاد، و آزادی وجدان است. آزادی وجدان هم یعنی آزادی باور. این آزادی‌ها هم در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و هم در میثاق‌های بین‌المللی آمده است.

علاوه بر آن، یک عهدنامه‌ی بین‌المللی تحت عنوان «عهدنامه‌ی بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی» وجود دارد و در ملحقاتی که بعد صورت گرفته، تبعیض قومی و عدم مدارای مذهبی هم اضافه شده است.

ایران، قبل از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، به این عهدنامه پیوسته است. به همین خاطر، گزارش‌گرهایی که در ارتباط با اجرای آن عهدنامه از طرف کمیساریا یا کمیسیون حقوق بشر انجام وظیفه می‌کنند، در مورد وضعیت این آزادی‌ها، چگونگی تبعیض یا عدم تبعیض مذهبی و قومی در ایران خیلی حساسیت نشان می‌دهند. از قضا، هر دو گزارش‌گر مسلمان هستند؛ آقای عبدالفتاح آموزاز تونس و خانم اسما جهانگیر که پاکستانی است.

تعداد اسنادی که در آن‌ها به حق آزادی مذهب و ممنوعیت تبعیض بر اساس مذهب، تصریح شده، به حدی زیاد است که جمع‌آوری و بیان همه‌ی آن‌ها دشوار است.

اما، مهم‌ترین مواردی که در آن‌ها بر این امر تاکید شده، عبارتند از: ماده‌ی هیجده اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، ماده‌ی هیجده میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶ میلادی)، ماده‌ی پنج کنوانسیون بین‌المللی الغای تمامی اشکال تبعیض نژادی، قسمت ب، بند یک کنوانسیون یونسکو، علیه تبعیض در آموزش (۱۹۶۰ میلادی)، اعلامیه‌ی محو و الغای تمامی اشکال عدم مدارا و تبعیض بر اساس مذهب یا عقیده.

این موارد در زمره‌ی اسناد بین‌المللی هستند که در آن‌ها، به حق آزادی مذهب یا ممنوعیت تبعیض بر اساس مذهب تصریح شده است.

در سطح منطقه‌ای نیز حق آزادی مذهب در بند یک ماده‌ی نود کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده‌ی سه اعلامیه‌ی امریکایی حقوق و وظایف بشر، ماده‌ی هشت منشور آفریقایی حقوق بشر ملت‌ها و اسناد متعدد دیگر، تضمین شده است.

مطابق اسناد حقوق بشر، حق آزادی مذهب، حق مطلق و در زمره‌ی حقوق غیرقابل انحراف است که تحت شرایط و اوضاع و احوال نباید به حال تعلیق درآید یا مورد تعرض قرار گیرد.

حقوق بشر، دفاع اشخاص ضعیف‌تر را در برابر اشخاصی که از موقعیت اجتماعی قوی‌تری برخوردار هستند، ایجاب می‌کند.

مثال بارز این مهم، اقلیت‌های مذهبی در یک کشور هستند. این اختلاف مذهبی باعث خصومت بین اکثریت و اقلیت می‌شود.

البته لازم به تذکر نیست که اقلیت‌های مذهبی، بر اساس اقلیت بودن‌شان در موقعیت ضعیف‌تری قرار دارند. اکثریت می‌توانند به راحتی آزادی مذهبی را از اقلیت سلب کنند.

این‌جاست که حقوق بشر آزادی مذهب را موجب شده و آن را در برابر مخالفین آن مذهب حفظ می‌کند.

در کشورهای متعصب مذهبی، این اصل به‌طور بارزتری دیده می‌شود. در چنین کشورهایی حقوق بشر را نسبت به اقلیت‌ها کاسته یا به‌طور کلی در نظر نمی‌گیرند. این‌جاست که این اقلیت‌ها قیمت گزافی را مانند حنا جان‌شان می‌پردازند.

با کمال تاسف نمونه بارز این نکته، در ارایش گنابادی در ایران هستند. ادیان دیگری نیز مانند کلیمیان، مسیحیان، زرتشتیان و اهل تسنن در کشورمان ایران، به همان نحو شبیه در ارایش، حق آن‌ها نیز روزبه‌روز پایمال شده و تعداد زیادی از آن‌ها با کمال تاسف در زندان‌ها اسیرند.

نمونه‌های دردناکی از نقض حقوق بشر در ایران وجود دارد. میهن ما ایران که در زمان کوروش بزرگ، خود پایه‌گذار حقوق بشر بوده، امروز متأسفانه، در صدر کشورهایی است که نقض حقوق بشر در آن یک موضوع عادی و پیش پا افتاده به‌شمار می‌رود. آزادی مذهب معنا و مفهومی جز خلاف مشروعیت ندارد. واقعا که این وضعیت اسفناک است.

مذهب انتخاب شخصی فرد نیست. بلکه اکتسابی است که نسل به نسل دست به دست می‌شود. چرا انسان‌ها باید قیمت گزافی بابت این مساله بپردازند؟ دین مانند ماهیت جنسی انسان است که تحت اختیار و انتخاب شخص نیست.

ظلم و ستم به افراد به خاطر عقیده و باور و یا اندیشه‌ی آن‌ها، چیزی جز جهل و نادانی قربانی‌های اصلی سلب آزادی مذهب در ایران، از جمله بهائیان، دارویش و اهل تسنن هستند.

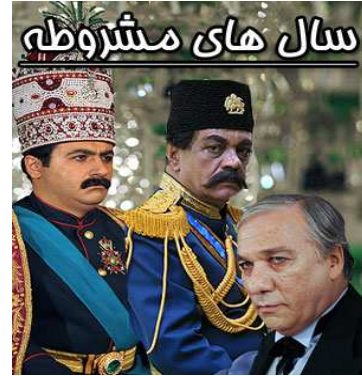
جالب این‌که بعد از بهائیان، در ارایش گنابادی و اهل تسنن مورد مخالفت رژیم مذهبی ایران واقع می‌شوند. در صورتی که در قرآن ذکر شده که آزادی مذاهب از ملزومات است.

تعصبات بی‌جا، کمی آگاهی و بینش، دوری از فرهنگ و تلقین پذیری برخی از اشخاص که معتقد به افکار کهنه هستند، زندگی را به مشاجره، ستیزه جویی، کینه توزی و بدختی سوق می‌دهد.

بهائی ستیزی در رسانه ملی صدا و سیما

سایت انترنتی خواندنیها با درج مقاله ای بسیار جامع در تاریخ 27 اسفند 1388 به پشتیبانی و حمایت از مؤسس آئین باب در مقابل سریال تلویزیونی "سالهای مشروطه" رسانه ملی صدا و سیما پرداخت که به منظور رعایت اختصار به درج قسمتهائی از آن اکتفا میگردد و نظریه اهمیبت مطالب آن توجه دوستان عزیز را به مراجعه به این سایت <http://khaandaniha.com/text/205> جلب مینمائیم :

حتی اگر سید باب را پیامبر و مؤسس آیینی جدید و آسمانی، آن گونه که بهاییان به آن معتقدند، ندانیم و نخوانیم و تنها به عنوان یک انسان، همانند دیگران بنامیم و بشماریم، باز هم، شخصیت، منش، تفکرات، و رهاوردهای وی برای ایران و ایرانیان، به میزانی است که بی تردید باید ایشان را در زمره بزرگترین مفاخر ایران شمرد. نایغه ای که مخالفانش، مجال ندادند تا ایرانیان با وی آشنا شوند. شخصیتی که سزاوار نبود در مجموعه تلویزیونی «سالهای مشروطه»، چنین جفایی در حقش روا داشته شود.



برای اثبات شجاعت باب، صرف ادعای پیامبری وی کفایت می کند... هر کس اندک آشنایی با اوضاع ایران زمان قاجار و یا حتی سی سال اخیر، داشته باشد بخوبی می داند که چنین ادعایی چه سرنوشت شومی را برای مدعی به ارمغان خواهد آورد. بدیهی است که باب، خود بیش از هر کس دیگر بر این سرنوشت آگاه بود. اوتاجر بود و از مال دنیا چیزی کم نداشت. خاندان او از احترام و ارج و قرب کافی در بین مردم برخوردار بودند. کافی است بدانیم که میرزای شیرازی، عالم و مرجع تقلید بزرگ جهان تشیع و صادر کننده فتوای معروف تحریم تنباکو، از بستگان بسیار نزدیک وی بود. از سوی دیگر، باب، ساده می زیست و اهل تجملات نبود لذا از حیث مادیات، به کسی یا چیزی محتاج نبود. در این صورت این ادعای وی را به چه می شود حمل کرد؟ جنون؟ ریاست ظاهره؟ اندوختن ثروت؟ کسب قدرت؟ بغایت ناسپاسی است که چنین نسبتهای نالایق در شان او ذکر شود.

باب پیروانی بی شمار داشت که برای اثبات و ترویج امر او از جان خود می گذشتند. بسیاری از آنها از علمای بنام اسلام و یگانه زمان خود بشمار می آمدند... ادوارد براون بعدها نوشت که آنها هنگام مرگ، چنان شجاعت و شهامتی بروز دادند که نظر تحسین همه، اعم از موافق و مخالف را جلب می کردند. بدون شک، چنین شجاعتی، انعکاسی از همان شجاعت باب در بیان ادعای خود بود و اگر باب اندک تزلزلی در ادعای خود داشت، پیروان وی نیز چنین استقامتی را از خود نشان نمی دادند.

مقابله باب با علما و حکام هم عصر خود، شاهد دیگری بر شجاعت اوست... به آنها می گفت که نفس عالم بودن، افتخاری نیست بلکه افتخار در خدمت به مردم است. همچنین در حالی که در دست محمد شاه اسیر بود و قاعدتا باید با حالت التماس و یا حداقل محتاطانه به او نامه بنویسد ملاحظه می شود که نامه های وی در کمال قدرت و بدون ذره ای هراس و البته در کمال ادب معمول، نگاشته شده است. در یکی از نامه های خود می نویسد که این مکتوب از طرف امام برحق به تو نگاشته می شود. در حالی که تمامی علما و غیر علما، حداقل دوسطر اغازین عریضه های خود را با استعمال القاب مطمئن پر نموده و شاه را به عرش می رساندند، باب، او را با خطاب "یا محمد" مخاطب ساخته به او می گوید که از خدا بترس و جاهل مباش.

و در باب منع از پرداختن به خرافات و اوهام مینویسد:

باب، بنیادی محکم در رفع تعصبات بنا نمود. نگرشهای بدیع وی، باعث شد تا دریچه های نوی در مقابل دیدگان مردم گشوده گردد. مثلا نگرش سنتی در مورد معجزه، این بود که قوانین طبیعت شکسته شده و امری خارج از ان اتفاق می افتد. داستانهای عجیب و غریب از عصای موسی و فرو رفتن اب دریا و شکافتن ماه و از این قبیل بر سر زبانها بود که خود، راه را بر خلق انواع قصه های دیگر می گشود. باب منکر این گونه معجزات بود و همه آنها را تاویل می نمود. به مردم می اموخت که اساس دنیا بر قوانینی

است که همیشه معتبر است. نمی توان ماه را به دو تکه نمود. این کار، نه ممکن است و نه مفید. او همچنین، جن و پری و مخلوقاتی از این نوع را زاده افکار منحرف دانست. می گفت که جن، ذات ناشناخته افراد است که باید بر آن آگاهی یابند و در جهت شناسایی خویش بکوشند نه اینکه تصور کنند که جن، شخصی است با هیکل و قیافه عجیب که در اماکنی مانند حمام ساکن است و خرافاتی از این قبیل.

در جنبه های علمی آثار باب مینگارد:

باب می گفت... ماموریت اصلی انبیاء هدایت روحانی مردم و نشان دادن روش صحیح زندگی کردن است. و بر همین اساس بود که معجزه پیامبران را، کلام آنان می دانست و نه امور خارق العاده و غیر طبیعی. کلام باب در زمینه امور دینی، عمدتاً با ارائه دیدگاهی نوین و منطبق با تعقل و تفکر به تشریح حقایق قرآن اختصاص دارد. تفاسیر باب بر این آیات، بناگاه افقهای دیگری را بر روی این اندیشمندان باز نمود... بی جهت نبود که خیل علمای دانا و وارسته اسلام نظیر سید یحیی دارابی و حجت زنجانی و ابوالفضائل گلپایگانی و دهها تن دیگر، که پاک ضمیر و متبحر اما متحیر بودند، بناگاه چون تشنگانی به چشمه رسیده، جذب باب شدند. از آن میان مخصوصاً باید به تفسیر باب بر سوره یوسف اشاره و تاکید نمود که به شکلی کاملاً جدید و بدیع، این سوره قرآن را تفسیر نمود. از تفسیر سوره بقره، کوثر، توحید، والعصر و تفسیر بسم الله نیز در همین ردیف می توان نام برد.

در باره باب، بسیار بیش از این می توان گفت اما مختصر اینکه باب، پیامبر باشد یا نباشد، شخصیتی است که بر تارک آسمان ایران می درخشد. حتی به هیچ معیاری نمی توان او را فروتر از دیگر مفاخر ایران نشان داد. در یک قرن و نیم گذشته، شخصیت واقعی او را پنهان کرده و در مقابل، او را کاملاً منفی نشان داده اند و به این ترتیب، برای ایرانیان، مجالی برای شناخت وی نماند. در حالی که آرامگاه زیبا و با شکوه باب در سواحل مدیترانه، هر ساله مورد بازدید صدها هزار نفر از بهایی و غیر بهایی و حتی مسلمانان و حتی شیعیان، قرار می گیرد و می رود تا به یک شخصیت تمام عیار جهانی تبدیل گردد، در ایران، جایی که قاعدتاً باید بیش از هر کشوری به او اهمیت دهند، آقای ورزی، کارگردان سریال مذکور تمام هم خویش را مصروف تخریب و ترور شخصیت او نموده است تا آنجا که می توان ادعا نمود و از عهده ان بدر آمد که هدف اصلی از ساخت این سریال، مبارزه با بهاییان و مشخصاً، باب بوده است...

بیانیه جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی در واکنش به بازداشت نوید خانجانی و دیگر فعالان حق تحصیل و دانشجویی



سایت گزارشگران حقوق بشر بیانیه مورخ 20 اسفند 1388 جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی در واکنش به بازداشت نوید خانجانی و دیگر فعالان حق تحصیل و دانشجویی را بشرح ذیل منتشر نموده است که قسمتی از آن درج میگردد :

در روزهای ۱۱ و ۱۲ اسفندماه، نیروهای امنیتی طی یورش برنامه ریزی شده منازل عدهای

از اعضای جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی و دانشجویان محروم از تحصیل را مورد تفتیش قرار داده و عدهای از آنان را بازداشت نمودند.

نوید خانجانی، از فعالان شناخته شده حق تحصیل و از اعضای موسس جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی و کمیته گزارشگران حقوق بشر، همچنین ایقان شهیدی، دانشجوی محروم از تحصیل، در کرمانشاه و سما نورانی، دانشجوی محروم از تحصیل رشته مهندسی پزشکی دانشگاه سهند تبریز نیز بازداشت شدند.

همچنین منازل حسام میناکی و سپهر عاطفی، از اعضای موسس جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی و کمیته گزارشگران حقوق بشر، و همچنین درسا سبحانی، از محرومین از تحصیل و از فعالان کمپین یک میلیون امضا در شهر ساری نیز مورد تفتیش قرار گرفت اما به دلیل عدم حضور این افراد در منزل، نیروهای امنیتی موفق به بازداشت آنان نشدند.

بازداشت نوید خانجانی و دیگر دانشجویان محروم از تحصیل درحالی صورت می‌پذیرد که در روزهای گذشته کامران دانشجو، وزیر علوم طی اظهاراتی از اخراج قریب‌الوقوع اساتید و دانشجویان غیرهم‌سو با نظام و ولایت فقیه خبر داد.

بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای «همه ملت» تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

باین وجود، حاکمیت ایران نه تنها عده‌ای را از تحصیل در دانشگاه‌های کشور محروم می‌کند، بلکه زمانی که برای دفاع از حقوق اولیه‌شان تلاش می‌کنند آن‌ها را بازداشت کرده و به زندان می‌افکند.

نوید خانجانی، از جمله افرادی است که در سال‌های اخیر تلاش‌های بسیاری را در زمینه دفاع از حق تحصیل و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام داد. وی هم‌گام با جامعه مدنی ایران، در اعتراض به یک‌دست‌سازی و تصفیه دانشگاه‌ها به پا خواست و خواهان آزادی عقیده برای ورود و ادامه تحصیل در دانشگاه شد.

اظهارات اخیر وزیر علوم و بازداشت فعالان و دانشجویان محروم از تحصیل، نشان از دور تازه‌ای از سرکوب دانشجویان و فعالان مدنی است. در حال حاضر عده زیادی از فعالان دانشجویی برجسته در بازداشت به سر می‌برند.

جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی، بازداشت نوید خانجانی و دیگر دانشجویان محروم از تحصیل و همچنین اقدامات اخیر حاکمیت مبنی بر صدور احکام سنگین حبس و حتی اعدام را به شدت محکوم نموده و خواهان آزادی تمامی دانشجویان و فعالان دانشجویی در بند است.

اسفند ماه ۸۸ جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی (PCED)

نامه جمعی از دانشجویان محروم از تحصیل بهایی خطاب به ملت شریف ایران



29 اسفند 1388

ملت شریف ایران

سلام. در ابتدا نیازی نمی‌دیدیم تا از عشقمان به ایران و ایرانی چیزی بگوییم اگر چه نیازی هم نیست. هر کسی که با بهاییان در ایران ارتباط داشته باشد بدون شک از عشق آنان به خاک سرزمینشان و هموطنان عزیزشان آگاه است اما به قول شاعر:

دل دائم صبورم را شکستند

قفس داران سکونتم را شکستند

اما دیگر جای درنگ نیست. در کف قدرت‌مندان زورگو قلم جز به تحریف و افترا و استهزا نمی‌پردازد و کاغذ جز سیاه‌هی تعصب و نفرت و خود کامگی نیست. قلم و کاغذ را تو عزیز هموطن باید بدست بگیری چون تو عاشق آزادی هستی، تو عاشق این هستی که از عشق و محبت بگویی. هموطن، قدرت فکر و قلب تو از هزار سلاح کوبنده تر است.

ایرانی بهایی هستیم و تمام آرزوهایمان در سرفرازی خاک ایران و ایرانی خلاصه می‌شود. اگر چه در خاک سرزمینمان از حداقل حقوق حقه‌ی شهروندی محروم هستیم، اگر چه در دانشگاه‌های سرزمینمان حق ادامه تحصیل نداریم اما لحظه‌ای در دفاع از حریم عزت و شرف و آزادی ایرانیان سستی نورزیدیم و با روح

و جان غمخوار این خاک و مردمش بوده ایم و با وجود این محرومیت‌ها و بی عدالتی‌ها همچنان خاک ایران برایمان مقدس و مایه مباهات است. به دنبال پیگیری حق تحصیل به سازمان‌های دولتی چون وزارت علوم، سازمان سنجش، ریاست جمهوری و ... مراجعه کرده‌ایم اما تنها مورد اهانت و گاهی تهدید آنها قرار گرفته‌ایم. هر چند نقض آگاهانه حقوق شهروندی و قانون در ایران مسأله‌ی جدیدی نیست و هر کسی به نوعی با آن مواجه هست اما شاید بهاییان بیش از دیگران در طول سی سال گذشته از حقوق انسانی خود محروم بوده‌اند و لحظه‌ای عدالت و انصاف و برابری را تجربه نکرده‌اند. ناقضین حقوق تنها به تهمت و افترا بسنده نکرده‌اند بلکه در کارنامه‌ی سیاه خود که به آن افتخار می‌کنند از سوزاندن بهائیان تا غارت و مصادره اموالشان، حبس، شکنجه، تهدید و ... را ثبت کرده‌اند و اگر چه ظلمی نبوده است که بر بهاییان روا ندارند اما لحظه‌ای سر تسلیم در مقابل این بی‌عدالتی‌ها فرو نیاورده‌اند.

با این وصف از این ظالمان هیچ گله ای نیست؛ بر همه واضح است قدرت و مال دنیا وابستگان به آن را کور می‌کند، احساسات متعالی را به نفرت و خشونت بدل می‌کند تا جایی که انسان برای همنوع خود ارزشی قائل نباشد چه برسد به رعایت حقوق آنان. جوانان بهائی را که تنها به صرف خدمت به هموطنانشان مشغول یاری به کودکان محروم شهرشان بوده‌اند، دستگیر و محبوس می‌کنند که چرا شما به هم وطنانتان کمک می‌کنید! افرادی را که به دنبال پیگیری حق تحصیلشان به نهادهای رسمی حکومتی مراجعه می‌کنند مورد اهانت و تهدید قرار می‌دهند و عده‌ای از آنان را در حال حاضر بازداشت کرده‌اند. قلم به دست مزدورانی می‌دهند که هیچ از بهائیان نمی‌دانند اما هر آنچه می‌خواهند برای تضعیف موقعیت آنان می‌نویسند بدون آنکه حتی قدری از آنها صحت داشته باشد و اگر برای روشن شدن و تفهیم حقائق سخنی بگویی به کذب و دروغ پرونده سازی می‌کنند که اقدام علیه امنیت ملی و توهین به مقدسات و اسلام کرده‌ای. اما همان طور که گفته شد از آنان گله و توقعی نیست اما از هموطنی آزرده هستیم که گوشش را به دست کسانی می‌سپرد که هر آنچه می‌خواهند می‌گویند، حقایق را تحریف می‌کنند، تهمت می‌زنند و حتی قانون را به راحتی زیر پا می‌گذارند. از آن هموطنی دل شکسته‌ایم که ایرانی هم خویش را از روی تعصبات مذهبی مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد، از روی جهل و نادانی مدارس فرزندان خردسال بهائی را به مکانی برای توهین و تحقیر آن مظلومان تبدیل می‌نماید، بدون تحقیق و بررسی هر آنچه می‌گویند را می‌پذیرد بدون آنکه آثارش را ببینند.

هر چه کنی باز هموطن و هم نوع هستی و ذره‌ای از مهر و محبتمان به تو کم نخواهد شد. نه نفرت و کدورتی، تنها عشقت در قلبمان می‌ماند. هموطن زورگو و ستم کار دوستت داریم. هموطن مظلوم و ستم دیده دوستت داریم. مسلمانی یا مسیحی یا هر اعتقاد و باوری که داری، هر مقام و منصبی که داری، غنی هستی یا فقیر، منصف هستی یا ظالم، با سواد هستی یا بی سواد، سفید هستی یا سیاه در هر حال صمیمانه دوستت داریم.

سال جدید بهانه دوباره نو شدن افکار و احساسات را بیا با هم جشن بگیریم و صرف نظر از هر تعصبی دست در دست هم با روح همدلی و محبت و احترام برای خدمت به خاک مقدس ایران قیام نمائیم.

جمعی از دانشجویان محروم از تحصیل بهایی

۱۳۸۸/۱۲/۲۸

آخرین خبرها از ایران:

- همه اعضای سابق یاران ایران در ۵ فروردین ۱۳۸۹ با خانواده های خود ملاقات داشتند. به جز خانم مهوش ثابت که اجازه ملاقات رو در رو داشت سایر ملاقات ها از پشت شیشه انجام شد.
- به خانم ها رها ثابت و هاله روحی و آقای ساسان تقوا، سه نفر از ۵۴ نفر بهائی که در اردیبهشت ۱۳۸۵ در شیراز دستگیر شده بودند، برای تعطیلات نوروز مرخصی موقت داده شد. این مرخصی از ۲۵ اسفند ۱۳۸۸ شروع شد. آنها در ۲۸ آبان ۱۳۸۶ بازداشت شدند و مشغول گذراندن احکام چهار سال زندان هستند که برای هر یک از ایشان صادر شده است.
- به آقای نوید خانجانی که در ۱۱ اسفند ۱۳۸۸ دستگیر شده، در ۴ فروردین ۱۳۸۹ یک ملاقات حضوری با خانواده اش داده شد.
- به خانم درسا سبحانی اهل ساری (استان مازندران) که در ۱۵ اسفند ۱۳۸۸ در خانه اش دستگیر شده بود، در ۱ فروردین ۱۳۸۹ اجازه ملاقات حضوری با خانواده اش داده شد.

- علیه آقای بهنام روحانی فرد و برادرش آقای سهیل روحانی فرد اهل یزد پرونده تازه ای تشکیل شد. آنها به ترتیب در ۲۰ مهر ۱۳۸۸ و ۲۷ مهر ۱۳۸۸ دستگیر و در ۲۸ بهمن ۱۳۸۸ با قرار وثیقه آزاد و سپس به نه ماه حبس تعزیری محکوم شده بودند. در ۱۲ اسفند ۱۳۸۸ این دو برادر به خاطر «نگهداری تجهیزات دریافت از ماهواره» به پرداخت جزای نقدی دو میلیون ریالی (حدود ۲۰۰ دلار آمریکا) محکوم شدند. آقای سهیل روحانی فرد به جهت «افتراء نسبت به شاکی» به ۸ ماه حبس تعزیری و ۵۰ ضربه شلاق تعزیری غیرعلنی و از جهت «نشر اکاذیب» به تحمل چهار ماه حبس تعزیری محکوم گردید.

- به آقای ایقان شهیدی اهل کرمانشاه که در ۱۲ اسفند ۱۳۸۸ دستگیر شده بود، در ۱ فروردین ۱۳۸۹ اجازه ملاقات حضوری با خانواده اش داده شد.
- آقای پیام فنائیان که در ۱۳ دی ۱۳۸۸ دستگیر شده بود به شش سال حبس تعزیری محکوم شده اما این حکم فقط به صورت شفاهی توسط وکیلی که دادگاه برای آقای فنائیان تعیین کرده اظهار شده و هیچ نوشته ای به او ارائه نشده است.

در ماده‌ی هیجده اعلامیه حقوق بشر آمده است:

هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب، بهرمنده شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و ایمان است و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس می‌تواند از این حقوق، به‌تنهایی یا به صورت جمعی، به طور خصوصی یا عمومی برخوردار باشد.

همچنین در ماده نوزدهم گفته شده است:

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته و در کسب و دریافت اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، به تمامی وسایل ممکن بیان، بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.